

Social Pathology of University Students with the Approach of its Islamization from the Perspective of Qur'an and Hadith

Fatemeh Afrasiabi¹
Seyyed Mohammad Reza Hosseininia²
Mojtaba Mohammadi Anvigh³

ABSTRACT

University students have a very effective role in islamzation of universities and achieving the ideals of the Islamic Revolution. Therefore, it is necessary to examine the social harms in front of them as a part of the current society in order to inform and warn them. The purpose of this research is to investigate the possible social harms of university students with the approach of Islamization in four areas: epistemic, ethical, behavioral and scientific, along with its consequences, as well as the necessary solutions to prevent these harms in the Islamic educational system based on the verses of the Qur'an and hadiths of the infalibles (A.S.). The current research has been carried out with the descriptive-analytical method and library-software resources and referring to the verses and hadiths and the words of religious thinkers. The results obtained by this research are that the knowledge-seekers in today's society are more likely to face social harms such as delinquency and moral anomalies caused by neglecting the remembrance of God in the field of epistemology, scientism in the field of ethics, haste in the field of behavior and educational inflation in the scientific field, which can slow down or disturb the creation process of efficient, sincere, committed, expert and conscientious forces as well as effective knowledge production in order to serve the Islamic society. .

KEYWORDS: Social Pathology, Student, University, Islamic University.

1- PhD student in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Ilam University, Ilam, Iran, f.afraziaby1356@gmail.com

2- Associate Professor, Quran and Hadith Sciences Department, Faculty of Theology, Ilam University, Ilam, Iran, (corresponding author), m.hoseininia@ilam.ac.ir

3- Assistant Professor, Quran and Hadith Sciences Department, Faculty of Theology, Ilam University, Ilam, Iran, mo.mohammadi@ilam.ac.ir





تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۶

20.1001.1.27833542.1402.3.10.4.4

10.22034/arq.2023.181941



نوع مقاله: پژوهشی

آسیب شناسی اجتماعی دانشجویان دانشگاه با رویکرد اسلامی شدن آن از منظر قرآن و حدیث

فاطمه افراسیابی^۱، سیدمحمد رضا حسینی نیا^۲، مجتبی محمدی انویق^۳

چکیده

دانشجویان در شکل گیری عنوان دانشگاه اسلامی و رسیدن به آرمان های انقلاب، نقش بسیار مؤثری دارند، از این رو بررسی آسیب های اجتماعی پیش روی آن ها به عنوان بخشی از اجتماع و جامعه کنونی به جهت آگاهی و تذکر دادن به آن ها، ضرورت دارد. هدف از این پژوهش بررسی آسیب های اجتماعی احتمالی دانشجویان دانشگاه با رویکرد اسلامی شدن در چهار حوزه: معرفتی، اخلاقی، رفتاری و علمی به همراه پیامدهای آن و هم چنین راهکارهای لازم برای پیشگیری از این آسیب ها در نظام آموزشی اسلام بر اساس آیات قرآن و روایات معصومان (ع) است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و منابع کتابخانه ای-نرم افزاری و استناد به آیات و روایات و کلام اندیشمندان دین، به این نتایج دست یافته است که جویندگان دانش در جامعه کنونی بیشتر با آسیب های اجتماعی چون بزه کاری و ناهنجاری های اخلاقی ناشی از غفلت یاد خدا در حوزه معرفت، علم زدگی در حوزه اخلاق، شتاب زدگی در حوزه رفتار و مدرک گرایی در حوزه علمی روبه رو هستند که می تواند روند تولید نیروی کارآمد، مخلص، متعهد، متخصص، وظیفه شناس و تولید دانش مؤثر برای خدمت به جامعه اسلامی را کند یا دچار اختلال کند.

واژگان کلیدی: آسیب شناسی اجتماعی، دانشجو، دانشگاه، دانشگاه اسلامی.

۱- دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران، f.afraasiaby1356@gmail.com

۲- دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران، (نویسنده مسئول)، m.hoseininia@ilam.ac.ir

۳- استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران، mo.mohammadi@ilam.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



۱. مقدمه

از امور بسیار مهم و باارزش در هر کشور، مراکز تعلیم و تربیت از کودکان تا دانشگاه‌هاست. دانشگاه‌های اسلامی به‌عنوان بخش مهم و تأثیرگذار در سرنوشت و آینده جامعه در تربیت و تولید نیروی کار مطرح هستند. اگر دانشگاه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تربیت جوانان پردازند، علم را در خدمت هدف و هدف را بسیار متعالی قرار خواهند داد؛ یعنی بزرگ‌ترین ویژگی دانشگاه اسلامی این است که دانش برای انسان و در خدمت انسان باشد؛ از این رو نقش دانشجو در شکل‌گیری عنوان دانشگاه اسلامی و رسیدن به آرمان‌های انقلاب، بسیار پررنگ و باارزش است. پیامبر اکرم (ص) در بیان اهمیت جویندگی علم می‌فرماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَا أَنْ اللَّهَ يُحِبُّ بَغَاهُ الْعِلْمَ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۳۰)؛ دانش‌آموزی بر هر انسانی واجب است، همانا خداوند علم‌آموزان را دوست دارد و «طالِبُ الْعِلْمِ مَخُوفٌ بِعِنَايَةِ اللَّهِ» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۳ ق، ۱: ۲۹۲)؛ جوینده دانش در پناه عنایت خداوند است.

بنابراین جویندگان دانش در نزد خداوند متعال و اهل بیت (ع) از جایگاه و مقام ویژه‌ای برخوردارند؛ پس باید برای حفظ جایگاه خود در دانشگاه اسلامی، با هوشیاری کامل مراقب توطئه‌های شیطان‌های درونی و بیرونی زمانه خویش باشند تا از آرمان‌های اسلام و انقلاب فاصله نگیرند. همچنین بنیان‌گذار انقلاب، امام خمینی (ره) از دانشجویان می‌خواهد که خودشان به فکر اسلامی کردن دانشگاه باشند و منتظر کمک دیگران نباشند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۱۲: ۲۴۸)؛ از این رو دانشجویان باید به داشته‌های خود تکیه کنند و به تولید علم پردازند و جنبش نرم‌افزاری و تولید علم را بنا بر درخواست امام و رهبری بومی کنند. بومی‌سازی این دو نیازمند یک شوک واقعی است که علم را با معنویات عجین سازند و در عین حال، مطالبات به‌حق خود را نیز بستانند. در این زمان که مخالفان اسلام و جمهوری اسلامی از هر راه ممکن برای رسیدن به مقاصد شیطانی خود استفاده می‌نمایند تا بانفوذ دادن افراد منحرف در دانشگاه‌ها و بدنام کردن دانشجویان با اعمال ناشایسته و اخلاق و روش انحرافی، ضربه مهلکی بر دانشجویان، دانشگاه و اسلام بزنند، با هوشیاری کامل در موقع مناسب مأموریت‌های خود را انجام دهند، تا از القائات شوم توطئه‌گران در امان باشند. از این رو دانشجویان باید با داشتن برنامه‌ای دقیق و صحیح و منطبق با آموزه‌های قرآن و روایات، خود و دیگران را از آسیب‌های اجتماعی زمانه حفظ نمایند. از این رو یافتن آفت‌ها،

آسیب‌ها و برطرف کردن آن‌ها، پیوسته باید در این‌گونه نهادها دایر باشد. پژوهش حاضر، پژوهشی بنیادی و کاربردی است. بنیادی ازاین‌جهت که تأثیر هر یک از مؤلفه‌ها، آسیب‌ها و راهبردها را در دانشگاه با رویکرد اسلامی شدن، به تفصیل بیان می‌کند. کاربردی هم ازاین‌جهت که در هر بخش برای به حداقل رساندن آسیب‌ها راهبردهایی ارائه می‌شود که می‌تواند گامی مؤثر در جهت کاهش آسیب‌ها باشد. نظر به همین مسئله، با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که چه آسیب‌هایی از نظر اجتماعی برای دانشجویان دانشگاه با رویکرد اسلامی شدن متصور است؟ این آسیب‌ها چه پیامدهایی دارد؟ چگونه می‌توان از بروز این آسیب‌ها جلوگیری کرد یا از شدت آن‌ها کاست؟

۲. پیشینه

در زمینه آسیب‌شناسی دانشجویان دانشگاه، تحقیقاتی بررسی شد، که نزدیک‌ترین و شبیه‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. مقاله «آسیب‌شناسی تربیت دینی دانشجویان دانشگاه پیام نور با تأکید بر مکتب امام حسین (ع)» از غزالی و دیگران (۱۳۹۹)؛ در بین ۴۰۰۰ دانشجوی این دانشگاه با حجم نمونه آماری از طریق جدول مورگان با ۳۵۱ نفر که شامل ۲۴۸ دانشجوی مرد و ۱۰۳ دانشجوی زن، طبق نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد. عوامل آسیب‌زای تربیت دینی دانشجویان چون عدم مرزبندی در امور دینی، عدم انعطاف‌پذیری و توجه به استعدادها و تفاوت‌های فردی افراد، عدم توجه به باورها و شرایط دوره تربیت و امور تربیتی، الگوپردازی نامناسب در جامعه، عدم همسانی عمل و ظاهر مروجان دین و استفاده ابزاری از دین که ۶۱ درصد واریانس‌ها را تبیین می‌کند.

۲. مقاله «تحلیل عوامل آسیب‌زای تربیت دینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر» از حسین زاده و دیگران (۱۳۸۹). این پژوهش در بین کلیه دانشجویان این واحد به تعداد ۹۷۲۴ نفر و حجم نمونه آماری از طریق جدول مورگان به تعداد ۳۷۵ نفر دانشجوی مرد و ۱۲۰ نفر دانشجوی زن طبق شیوه نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد و شش عامل به‌عنوان آسیب‌زا مؤثر بودند: شبهات دینی، عدم درک نیازها و مشکلات نسل جوان، ناکارآمدی کانون‌های تربیت دینی، سهل‌انگاری و قصور والدین، فضای ریزوماتیک و ریاکاری که مجموعاً ۶۴ درصد از کل واریانس را تبیین می‌نمایند.

۳. مقاله «آسیب‌شناسی اجتماعی افزایش سن ازدواج از دید دانشجویان دختر

دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه» از خیری و دیگران (۱۳۹۵)؛ که هدف آن بررسی آسیب‌های اجتماعی افزایش سن ازدواج دانشجویان دختر دانشگاه آزاد ارومیه است و جامعه آماری آن حدوداً ۴۶۳۱ نفر است و برای تحقیق تعداد ۳۶۴ نفر را به‌عنوان حجم نمونه با روش خوشه‌ای و ابزار پرسشنامه انتخاب کردند. دانشجویان دریافتند که عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عوامل تأثیرگذار بر بالا رفتن سن ازدواج آن‌هاست.

این نتیجه حاصل شد که اولاً همه پژوهش‌ها به شکل جزئی و در واحد دانشگاهی خاصی انجام شده است. ثانیاً تحقیقات بیشتر به صورت کلی و روی آسیب‌هایی در زمینه تربیت دینی یا سلامت روانی یا افزایش سن ازدواج صورت گرفته است، اما پژوهشی که مجموعه آسیب‌های اجتماعی دانشجویان را در چهار بعد: شناختی (معرفتی)، هیجانی (اخلاقی)، رفتاری و علمی با استناد به آیات و روایات بررسی کرده باشد، یافت نشد، از این رو تحقیق کنونی ضرورت دارد.

۳. مفهوم شناسی

در این قسمت به بررسی مفاهیم لغوی و اصطلاحی برخی واژگان کلیدی پرداخته می‌شود:

آسیب‌شناسی: آسیب در لغت به معنای زخم، ضربه، صدمه، عیب و نقص (معین، ۱۳۷۵، ۱: ۵۸) است. منظور از آسیب‌شناسی در لغت شناخت درد، رنج و خسارت (عمید، ۱۳۶۴، ۱: ۴۴) و در اصطلاح به آن دسته از علل و اختلالاتی گفته می‌شود که وجودشان تداوم و حرکت پدیده را تهدید می‌کند و آن را از رسیدن به هدف باز می‌دارد یا از کارایی می‌اندازد (عمید، ۱۳۶۴، ۱: ۴۴).

آسیب‌شناسی اجتماعی علمی برای مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌های اجتماعی همراه با علل و انگیزه‌های پیدایی آن‌ها و نیز شیوه‌های پیشگیری و درمان این پدیده‌ها، به انضمام مطالعه شرایط بیمارگونه اجتماعی است (ستوده، ۱۴۰۰: ۷-۸).

دانشگاه اسلامی: دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که در آن بینش توحیدی بر تمامی شئون دانشگاه، تفکر و اندیشه دانشگاهیان حاکمیت دارد و علم‌آموزی به‌منزله یک عبادت در جهت ایجاد و تقویت این نگرش ایفای نقش می‌کند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۲: ۲۸). از این رو طبق نظر آیت‌الله جوادی آملی «اگر دانشگاه بخواهد در پرتو جامعه توحیدی الهی باشد، ابتدا دانش باید اسلامی شود و تنها علمی که عهده‌دار این مسئله است، فلسفه است» (جوادی آملی، ۱۴۰۰/۸/۱۹: خبرگزاری رسمی حوزه نت). امام خمینی (ره) نیز معتقد است

که معنای اسلامی شدن دانشگاه این است که دانشگاه باید استقلال پیدا کند و خودش را از وابستگی غرب جدا کند و یک کشور مستقل و یک فرهنگ مستقل داشته باشیم (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ۱۲: ۲۵۱). پس دانشگاه اسلامی، علم و ایمان، علم و معنویت، علم و اخلاق را به همراه دارد. علم را می‌آموزد و جهت‌گیری علم را از اخلاق و ایمان می‌گیرد (خامنه‌ای، ۱۳۸۴: ۲۸).

۴. آسیب‌شناسی اجتماعی دانشجویان دانشگاه با رویکرد اسلامی

از آنجاکه «خود» محور شخصیت دانشجو، مظهر وحدت، کلیت، نظم و تعادل در شناخت، هیجان و رفتار است و موجب خودشکوفایی و عملکرد بهتر می‌شود و به دلیل اهمیت آن در جنبه‌های مختلف روانشناسی، به‌ویژه در حوزه آسیب‌شناسی است. این پژوهش طبق مکانیزم درک رفتار انسان سه عامل شناخت، هیجان (اخلاق) و رفتار را بررسی می‌نماید؛ اما روشن است که علاوه بر تعیین‌کننده‌های فردی، محیط و فضای ارتباطی نیز در چگونگی عملکرد ارتباطی شخص تأثیرگذار است. این عامل چهارم در تئوری شناخت اجتماعی بندورا مورد توجه قرار گرفته است. بر همین اساس با تلفیق این دو نظریه پژوهش حاضر چهار عامل مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی دانشجویان عوامل شناختی (معرفتی)، هیجانی (اخلاقی)، رفتاری و محیطی (برای دانشجویان، عامل محیط از حیث علمی بررسی می‌شود) را مورد توجه قرار داده است و به تبیین تأثیر آن می‌پردازد. آسیب‌شناسی استاسی از آنجاکه معرفی همه آسیب‌های مربوط به این ابعاد در این مقوله نمی‌گنجد، به بررسی چند مورد که امروزه بیشتر محل ابتلا هستند، اکتفا می‌شود.

الف) آسیب‌های اجتماعی احتمالی در بعد معرفتی

در این قسمت به بررسی آسیب‌های اجتماعی احتمالی دانشجویان دانشگاه در بعد معرفتی پرداخته می‌شود که به علت عدم امکان بررسی همه موارد مهم‌ترین آن‌ها ذکر می‌شود.

بزهکاری و ناهنجاری‌های ناشی از غافل شدن از یاد خداوند:

همه انسان‌ها به سبب گرفتار شدن در دام وسوسه‌های شیطان و نفس اماره، همواره در معرض لغزیدن به دام‌های گوناگون دنیا و درنهایت، مبتلا شدن به غفلت هستند، اما گرفتار شدن به این آسیب در دانشجویان به دلیل جوان بودن، کم‌توجه بودن و کم‌تجربگی شدیدتر است؛ همان‌طور که اکثر واژه‌شناسان، غفلت را به معنای: «سهو و نسیان ناشی از کمی حفظ و بیداری» و

«نبود توجه» و «اشتباه» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۶۰۹) یا «سهو و نسیان و رفتن معنا از نفس، بعد از حضور آن» (قرشی بنابی، ۱۳۰۷: ۵، ۱۱۱) معنا کرده‌اند. از طرفی در کلام بزرگان اخلاق نیز ریشه تمام بزهکاری‌ها و ناهنجاری‌های اخلاقی افراد، مخصوصاً قشر جوان جامعه، در فراموشی یاد خدا و وسوسه‌های شیطان است، که ریشه در غفلت دارد؛ همان غفلتی که نتیجه عدم دقت خود شخص است (نراقی، ۱۳۸۶: ۱۱۰). این نوع غفلت در نظر خداوند نیز مذموم است: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف: ۱۷۹)؛ یعنی غافلان آنچه را که مایه امتیاز انسان از سایر حیوانات است از دست داده‌اند و آن تمییز میان خیر و شر، به‌وسیله چشم و گوش و دل است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۸، ۴۳۹)؛ بنابراین اگر انسان در مسیر زندگی بر اثر غفلت و بی‌توجهی مرتکب گناه شد و از تکامل معنوی، علمی و معرفت الهی دور شد، در حقیقت از هدف نهایی خلقت که عبودیت است، فاصله گرفته است؛ از این رو، غفلت در همه انسان‌ها، مخصوصاً قشر جوان جامعه، سرچشمه همه شقاوت‌ها، بزهکاری‌ها، ناهنجاری‌ها و ریشه همه امراض قلبی است.

عواقب بزهکاری و ناهنجاری‌های ناشی از غفلت در دانشجویان عبارت است از:

فراموشی یاد خدا: خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا» (کهف: ۲۸)؛ اغفال قلب، به معنای مسلط کردن غفلت بر قلب یعنی فراموشی از یاد خداوند است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳، ۴۱۹). طبق این آیه صبوری در برابر رنج تعلیم و تربیت را فقط ارواح قدسیه می‌توانند به عهده بگیرند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۰، ۲۷۱-۲۷۲)؛ یعنی کسانی که از یاد حق غافل‌اند؛ قابلیت لازم برای تعلیم و تربیت را ندارند، فلذا خیری هم از آن‌ها به جامعه اسلامی نخواهد رسید. دانشجویانی که خدای ناکرده از یاد خدا غافل باشند، نه مستعد تعلیم و تربیت‌اند و نه خیری از آنان به جامعه اسلامی می‌رسد، پس ضرورت دارد برای محقق کردن عنوان خود تحت لوای دانشجوی دانشگاه اسلامی، با زنده کردن نام و یاد خداوند در تمامی لحظات عمر خود، اسباب غفلت را از خود دور کرده و با قرار گرفتن در زیر چتر تعلیم و تربیت اسلامی، سهم مؤثری در محقق کردن آرمان‌های دانشگاه اسلامی داشته باشند.

تکذیب آیات الهی: جوینده دانشی که در وادی غفلت به سر می‌برد و اعتقاد به بازگشت به سوی خداوند ندارد، آیات و نشانه‌های الهی را تکذیب کرده

و کسب رضایت الهی برایش معنا و مفهومی نخواهد داشت؛ چون به واسطه غفلت، حجابی سخت بر عقل و روح و قلبش سایه افکنده است؛ از این رو خداوند متعال می‌فرماید: «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلًّا آيَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ» (اعراف: ۱۴۶)؛ البته تکذیب آیات الهی بر اثر غفلت، نتیجه‌ای ناخوشایند به همراه خواهد داشت: «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءَ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ» (اعراف: ۱۴۷)؛ البته این همه خسارت جبران‌ناپذیر فقط در زمینه وظیفه بندگی خداوند، اتفاق می‌افتد، در صورتی که دستیابی به رضایت تشریحی خداوند، علاوه بر وظیفه فردی و بندگی انسان در برابر خداوند، مرتبط با وظیفه سیاسی و اجتماعی او نیز هست و این امر فقط از طریق پیروی از دستورهای قرآن و رسولان الهی محقق می‌شود؛ بنابراین دستیابی به رضایت الهی، بر اساس پیمودن سیر نزولی تدریجی ولایت بوده و واضح است که توسعه پیشرفت در مسائل اجتماعی و سیاسی در دانشگاه اسلامی نیز، بر محور اطاعت از ولی و پیروی از اوامر او شکل خواهد گرفت؛ بنابراین هرچقدر دانشجویان به آیات الهی اعتقاد داشته باشند، علاوه بر انجام وظایف بندگی، فرایند پیشرفت سیاسی و اجتماعی جامعه علمی را نیز تسهیل خواهند نمود.

بسنده کردن به زندگی دنیا و فراموشی آخرت: یکی از پیامدهای غفلت از یاد خداوند، فراموشی آخرت و دنیای پس از مرگ است: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَأَطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ، أُولَئِكَ مَا لَهُمْ النَّارُ إِلَّا مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» و «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم: ۸)؛ انسان گاهی از روی غفلت، دنیا را محبوب و نهایت آرزوی خود قرار می‌دهد، پس در ورطه بی‌خبری از حقایق جهان هستی می‌افتد. درحالی که بُعد روحانی انسان، همواره به امور نامحدود تمایل دارد. از این رو پرداختن به سرگرمی‌های محدود دنیا او را قانع نمی‌کند و آن تمایلات، ممکن است زمینه‌ساز سؤالاتی درباره تأمین نیازهای مادی او باشد که اولین قدم برای بیداری از خواب غفلت است، البته اگر بتواند به آن‌ها پاسخ مثبت بدهد و بهره بگیرد، اما اگر پاسخ قانع‌کننده‌ای برای آن سؤالات نداشته باشد یا نسبت به آن‌ها بی‌اعتنایی کند، حجاب عظیمی از فراموشی بر قلب و عقل او گسترده می‌شود، به گونه‌ای که بصیرتش را زایل می‌کند و مانع واقع‌بینی او نسبت به خالق و مخلوقات می‌شود. همان‌گونه که امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «غفلت از میان برنده بصیرت و روشن‌بینی است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۸۱۹).

راهکارهای پرهیز از غفلت نیز عبارت است از:

تبیین پیامدهای غفلت: سعادت و موفقیت در دنیا زمانی که مبتنی بر مفاهیم متعالی، انسان‌ساز اسلامی و خدامحور باشد، علاوه بر سعادت دنیا، تضمین‌کننده سعادت آخرت نیز هست. عدم غفلت از یاد خدا، مرگ و روز قیامت تبیین مفاهیمی چون: ایثار، جهاد، شهادت، انفاق و... را با معنا نموده و تفسیری درست از آن ارائه می‌کند. خداوند متعال افراد غافل از مرگ و معاد و روز حساب را انذار می‌کند: «وَأَنْذَرُهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذَا قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (مریم: ۳۹) و «لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكُمْ غِطَائِكُمْ فَبَصَّرَكُمُ الْيَوْمَ حَدِيدًا» (قاف: ۲۲)؛ بنابراین دانشجویانی که خواستار در امان ماندن از پیامدهای زیان‌بار غفلت هستند باید بدانند که قرآن کریم با صراحت به تجسم اعمال در روز قیامت اشاره می‌کند: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمَلَتْ مِنْ بَيْنِهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا» (آل عمران: ۳۰) و «وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا وَاقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا» (کهف: ۴۹). در روایات نیز نقل است که پیامبر اکرم (ص) از جبرئیل درخواست موعظه نمود و او در پاسخ گفت: «هرگونه تمایل داری زندگی کن که در نهایت از دنیاخواهی رفت، هر چه می‌پسندی دوست بدار، اما در نهایت از او جدا خواهی شد و هر عملی که می‌خواهی انجام ده که آن را ملاقات خواهی نمود» (صدوق، ۱۴۰۲ق، ۴: ۳۹۹).

بنابراین می‌توان دریافت افزون بر اینکه انسان باقی و جاوید است؛ اعمال و آثار او نیز باقی و جاودان خواهد بود و انسان در جهان دیگر، با اعمال و اخلاقی که از این دنیا برای خویش تدارک دیده است، زندگی می‌نماید (مطهری، ۱۳۷۰، ۲: ۵۲۸). پس باید گفت بین صورت دنیوی اعمال ما با صورت اخروی آن، رابطه‌ای برقرار است که برای ما ناشناخته است. در عالم دیگر مرتبه‌ای از وجود است که ناشناخته است، اما هر چه هست، از این موجودی که در این جهان است به وجود می‌آید و شکل‌دهنده آن، ایمان، عمل صالح و تبت ناب «الله» یا کفر، عصیان و غفلت است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۴۹۶)؛ بنابراین دانشجویان دانشگاه اسلامی با اشراف کامل بر پیامدها و عواقب غیرقابل جبران غفلت، ضمن باور به حیات جاویدان، همواره کمال دقت و توجه خود را در اعمال و رفتار خویش به کار خواهند گرفت؛ زیرا می‌دانند که به این اعمال نباید به چشم یک سلسله امور زودگذر نگاه کنند؛ چون اعمال آدمی در واقع پیش فرستاده‌های او به دنیای دیگر است و ادامه حیات در سرای باقی به واسطه این پیش فرستاده‌هاست.

بی‌رغبتی به دنیا: نقطه مقابل دل‌بستگی به دنیا است. از آنجا که دنیا دوستان،

تمام هم‌وغمشان در دنیا خلاصه می‌شود و شبانه‌روزشان برمدار دنیاست، از آخرت غافل‌اند و نگرانی آن‌ها محدود به تأمین خواسته‌های دنیوی است، درحالی‌که دانشجوی مؤمن باید با زیرکی و کیاست، دنیا را از بُعد ابزاری موردتوجه قرار دهد؛ یعنی هدف او در همه کارها رسیدن به آخرت و رضایت خداوند باشد و دنیا را به‌منزله پُلّی برای رسیدن به آن‌ها بداند. پیامبر اکرم (ص): «هر کس بر پیشرفت علمی‌اش افزوده شود، اما بر بی‌رغبتی او به دنیا افزوده نگردد، جز بر دوری‌اش از خدا افزوده نشود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۷). امیرمؤمنان (ع) نیز می‌فرماید: «به دنیا بی‌رغبت باش تا خدا زشتی‌های آن را به تو نشان دهد و غافل نشو؛ چون تو مورد غفلت نیستی» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۹۱)؛ بنابراین اگر دانشجوی مسلمان بی‌رغبتی به دنیا را سرلوحه خواسته‌های خود در زندگی قرار دهد، این امر رهایی از تمام غم و غصه‌های مادی دنیا را برایش ممکن ساخته و زشتی‌ها و بدی‌های آن را برایش می‌نمایاند.

اشتغال به ذکر خداوند: در حقیقت، ظهور یافتن ایمان است که موجب تثبیت حالات ایمانی شده و مقدمه‌ساز انس با پروردگار است. خداوند متعال در این راستا می‌فرماید: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ» (آل‌عمران: ۱۹۱)؛ یعنی مؤمن تا زمانی که در یاد خدا باشد، همواره در نماز است. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «کسی که خداوند سبحان را یاد می‌کند، او قلبش را زنده و عقل و جانش را نورانی می‌گرداند» (صدوق، ۱۳۷۶: ۷۹). «ریشه اصلاح قلب، اشتغال آن به یاد خداست» (صدوق، ۱۳۷۶: ۷۹). «ذکر خداوند، غذای جان‌ها و هم‌نشینی با محبوب است» (صدوق، ۱۳۷۶: ۷۹). ازاین‌رو یکی از مقاصد اصلی تعالیم انبیاء و اولیاء (ع) توجه روحی و قلبی انسان به خداوند است؛ زیرا حضور خداوند، حقیقتی غیر از حضور غیر او دارد و بر هر موجودی احاطه دارد. به همین دلیل ذکر حقیقی خداوند با ذکر قلبی محقق می‌شود و تداوم این ذکر زمینه‌ساز شکوفایی فطرت انسان می‌شود.

ب) آسیب‌های اجتماعی احتمالی در بعد اخلاقی

در این قسمت به بررسی آسیب‌های اجتماعی احتمالی دانشجویان دانشگاه در بعد اخلاقی پرداخته می‌شود که به علت عدم امکان بررسی همه موارد مهم‌ترین آن‌ها ذکر می‌شود:

علم‌زدگی: در قالب این نظام فکری، تنها سازوکارهای محدود به عوامل مادی به رسمیت شناخته می‌شوند؛ ازاین‌رو، بسیاری از ارزش‌های مورد تأکید در اسلام، قابل تبیین و دفاع نخواهند بود؛ زیرا آموزه‌های قرآن و روایات ضمن اینکه همه را به فراگیری دانش تجربی دعوت می‌کند، هیچ‌گاه حدود مرز

نظام فکری انسان را به دانش تجربی محدود نمی‌کند، بلکه افراد را به تمام حوزه‌هایی که موسوم به علوم انسانی است؛ یعنی به سازوکارهایی فراتر از دانش تجربی سفارش می‌کند. خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید: «قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا* الَّذِينَ سَعَوْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» (کهف: ۱۰۳ و ۱۰۴)؛ از این رو افراد علم‌زده، راه وصول به حقایق را بر روی خود بسته‌اند و در دام مفاهیم و بحث و درس گرفتار شده‌اند؛ بنابراین نصیب و بهره آن‌ها از اشتغال به علوم، فقط از دست دادن لحظات طلایی عمر و به هدر دادن استعدادها و بستن روزنه‌های قلب به سوی حضرت حق است، پس خسران زده ترین افراد هستند. پیامبر اکرم (ص) در این زمینه می‌فرماید: «آن‌که علم را از اهلش فرابگیرد و به آن عمل کند، نجات می‌یابد و هر کس علم را برای دنیا می‌طلبد، بهره‌اش همان دنیا است» (کلینی، ۱، ۱۴۰۷: ۴۶).

پیامدهای علم‌زدگی نیز عبارت است از:

عقل‌گرایی افراطی عقل: جایگاه ویژه‌ای در معرفت دینی دارد. از این رو اسلام همواره سعی می‌کند دو منبع عقل و وحی را با یکدیگر هماهنگ کند تا عالمان در هر حوزه علمی بتوانند از آن بهره بگیرند، اما در رویکرد مدرن فقط به عقل معاش و تجربی اکتفا می‌شود؛ بدین صورت که در اثبات آموزه‌های دینی، عقل را مقدم می‌کنند؛ به این معنا که اصول و حقایق دینی بر مبنای عقل اثبات می‌شوند. در واقع این نظریه مستلزم این امر است که همه گزاره‌های عقلانی در رشته‌های مختلف دانش بشری باید برای همه عقلای عالم اثبات شود، در حالی که همه دانش یکسانی ندارند و بسیاری از افراد، عقل خود را برای همه مسائل به کار نمی‌گیرند. خداوند متعال در مذمت این نوع عقل‌گرایی افراطی می‌فرماید: «أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (فرقان: ۴۴)؛ یعنی کسانی که مطالب را می‌شنوند، اما تعقل نمی‌کنند، مثل چهارپایان‌اند، بلکه گمراه‌ترند؛ زیرا قدرت بر معرفت دارند، اما معرفت پیدا نمی‌کنند (طبرسی الف، بی تا، ۱۷: ۲۱۰).

امام صادق (ع) در پاسخ به این پرسش که عقل چیست؟ فرمود: «عقل آن چیزی است که به وسیله آن خداوند رحمان عبادت شود و بهشت به وسیله آن کسب شود» (برقی، ۱۳۷۱، ۱: ۱۹۵). از این رو عقل چیزی است که انسان در دینش از آن بهره‌مند می‌شود و هدایتگر انسان به اعمال صالح و معارف حقیقی است و چنانچه در این مسیر نباشد، عقل نامیده نمی‌شود، هرچند در خیر و شرهای دنیایی صرف، کارایی داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲: ۲۵۴)؛ بنابراین خداوند نیروی شنیدن و اندیشه را از کسانی که بر کفر و گمراهی پافشاری نمودند، نفی

کرده است؛ زیرا آنان از نیروی شنوایی و اندیشه خود بهره نگرفتند و هرچیزی که بهره‌ای نداشته باشد بسان معدوم است (مغنیه، ۱۳۷۸، ۵: ۷۶۶)؛ یعنی اکثر ایشان استعداد شنیدن حق یا استعداد تعقل درباره حق را ندارند تا آن را پیروی کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۵: ۲۲۴)؛ بنابراین عدم به کارگیری قوه عقل در مسیر اعتدال، سبب انحراف جویندگان دانش از مسیر حق و افتادن در دام ضلالت و گمراهی است؛ زیرا زمام اختیار از دست آن‌ها خارج شده و به‌سوی هواپرستی متمایل می‌شوند که سرچشمه کفر و بی‌ایمانی است. از این رو سرنوشتی دردناک‌تر از چهارپایان پیدا می‌کنند؛ چرا که اگر حیوانات چیزی را نمی‌فهمند، به دلیل عدم استعداد آن‌هاست، اما بیچاره و بدبخت انسانی است که خداوند خمیرمایه همه استعدادها را در وجودش به ودیعه نهاده است، اما به دلیل نداشتن تعادل و خروج از حد میانه، در به کارگیری این استعدادها خطا می‌کند.

عدم استقلال فکری: از آنجاکه هر نوع وابستگی نشانه‌ای از ضعف است، در نهاد هر انسانی حتی در دوران کودکی میل به استقلال از طرف خداوند به ودیعه نهاده شده است تا با رشد جسمی و فکری او را در جهت اهداف عالی اسلامی که همان سعادت دنیا و آخرت است، به حرکت درآورد و در مقام دفاع از استقلال خود و جامعه‌اش در مقابل دشمنان، بتواند سازد. از این رو استقلال فکری دانشجویان به معنای توان تصمیم‌گیری در امور خود بدون دخالت بیگانگان و ایجاد مزاحمت از ناحیه آنان است. درحالی که رواج علم‌زدگی در بین دانشجویان دانشگاه باعث می‌شود که به نظریه‌ها و فرضیات ارائه‌شده از سوی متفکران غربی اعتماد کنند و استقلال فکری نداشته باشند. درحالی که خداوند متعال با ردّ وابستگی، افراد مستقل را این‌گونه می‌ستاید: «وَمَثَلُهُمْ فِي الْآنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوَاقٍ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» (فتح: ۲۹)؛ درواقع مثل مؤمنین مثل زراعت و گیاهی است که از کثرت برکت جوانه‌هایی هم در پیرامون خود رویانده باشد و آن را کمک کند تا آن نیز قوی شود و مستقلاً روی پای خود بایستد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸، ۴۴۸). امام خمینی (ره) نیز در توصیه به جوانان معتقد است که از نفوذ عناصر منحرف و وابسته به چپ و راست قاطعانه جلوگیری کنند و نگذارند محیط مقدس دانشگاه آلوده به اغراض منحرفان و وابستگان به اجانب گردد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۱۸: ۸۶)؛ بنابراین دانشجویان علم‌زده اعتماد به نفس کافی برای تصمیم‌گیری‌ها و توان دفاع از استقلال خود و جامعه در برابر دشمنان دین را ندارند، بلکه متکی به آرا و افکار متفکران غربی می‌باشند، از این رو جامعه علمی ضعیف خواهد شد و امکان دستیابی به استقلال و برتری یافتن بر سایر مکاتب

و جوامع را نخواهد داشت.

ترک امر به معروف و نهی از منکر: چهارمین اصل از اصول مهم قرآنی، امر به معروف و نهی از منکر است. تأکید قرآن و پیشوایان دینی در بیان اهمیت این اصل و کارکردهای سیاسی و اجتماعی آن، نشانه احیای امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از عوامل اقتدار در دانشگاهی با رویکرد اسلامی است. امر به معروف و نهی از منکر و تحقیق و پژوهش و... از مهم ترین عوامل فرهنگی در جامعه علمی هستند که زمینه رشد دانشگاه در مسیر اسلامی شدن را فراهم می کنند، اما علم زدگی باعث می شود که دانشجویان از این امور چشم پوشی کنند و نسبت به سرنوشت جامعه اطراف خویش بی تفاوت باشند. از این رو خداوند متعال می فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَهْتَمُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران: ۱۰۴ و ۱۰۵).

تعصب: در اهل علم، به معنای وابستگی آن ها به امور نادرست و غیر منطقی است که همان تعصب مذموم است و در قرآن از آن به عنوان «تعصب جاهلیت» یاد می شود که گاهی برخاسته از جهل و نادانی، خودخواهی، راحت طلبی یا لجاجت است. از این رو دانشجویانی که غرق در دنیای علم و فریفته آن می شوند، به واسطه خودخواهی و لجاجت، نسبت به دانسته ها و اندوخته های علمی خویش تعصب می ورزند، در حالی که خداوند با پافشاری بر امور غیر منطقی مخالف است: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» (بقره: ۱۱۳)؛ این جمله در صدد نكوهش آن هایی است که دین اسلام را از روی عناد انکار می کنند و در کلام خداوند حقیقتاً دانش آن ها فایده ای ندارد؛ زیرا در انکار حق و نپذیرفتن دین اسلام با نادانی که از کتاب بهره ای ندارد یکسان است (طبرسی الف، بی تا، ۱: ۳۱۸). چرا که علم محدود غرور انگیز این ها مانند چراغ کم فروغی در بیابان تاریک است که اگر بر گوشه ای پرتو افکند خود عامل حجاب می گردد (طالقانی، ۱۳۶۲، ۱: ۲۷۲). امیر مؤمنان (ع) نیز در این راستا فرمود: «کینه های جاهلیت را که در قلب شما پنهان شده است، خاموش سازید که این نخوت و تعصب ناروا در مسلمان از القائنات و خودخواهی ها و فساد و وسوسه های شیطان است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

عدم اقرار به ندانسته ها: مغرور شدن به دانسته ها عاملی است برای فتوا دادن و نظریه صادر کردن، از این رو دانشجویانی که گرفتار این آسیب هستند،

همواره برای هر سؤال، جوابی در آستین خود دارند؛ به گونه‌ای که از گفتن کلمه «نمی‌دانم» اجتناب می‌کنند و همواره خود را در تمامی امور صاحب‌نظر و عالم دهر می‌دانند، درحالی که علم به همه امور کار آسانی نبوده و برای هرکسی میسر نیست. ابن مسعود به نقل از پیامبر اکرم (ص) در این زمینه می‌فرماید: «دیوانه کسی است که درباره هر چه از او پرسند، نظر و فتوا بدهد؛ درحالی که {نمی‌دانم} سپر داناست» (طبرسی، ۱۳۶۸، ۲: ۳۶۳) و «ای ابوذر! اگر درباره چیزی از تو سؤال شد که نمی‌دانی بگو: نمی‌دانم تا از پیامدهای آن خلاص شوی و درباره آنچه نمی‌دانی فتوا مده تا از عذاب خدا در روز قیامت نجات یابی» (طبرسی، ۱۳۸۶، ۲، ۳۶۴). امیرمؤمنان (ع) نیز فرمود: «هر که جمله «نمی‌دانم» را ترک نگویید، به هلاکت درافتد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۸۵).

راهکار پرهیز از علم‌زدگی نیز عبارت‌است از:

تبیین عواقب علم‌زدگی و تکبر علمی: خداوند متعال در آیاتی از قرآن، جامعه علمی، مخصوصاً اساتید و دانشجویان را به فروتنی دعوت کرده و از تکبر علمی منع می‌نماید: «وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَرَكَهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (اعراف: ۱۷۶)؛ بلعم باعورا با اینکه مورد عنایت خاص الهی بود، اما ناگهان با تکذیب آیات الهی و تبعیت از هوای نفس، از مسیر حق منحرف شد و در زمره گمراهان قرار گرفت. حضرت روح‌الله (ع) فرمود: «وای بر علمای بد! چگونه آتش بر آن‌ها افروخته خواهد شد؟» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۴۷). پیامبر اکرم (ص) نیز فرمود: «هر کس به اندازه یک دانه خردل، کبر در دل او باشد و خود را بزرگ بشمارد داخل بهشت نمی‌شود و هر کس در راه رفتن تکبر کند، پروردگار را در حالی ملاقات خواهد کرد که بر او غضبناک باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۳: ۲۱۶).

ج) آسیب‌های اجتماعی احتمالی در بعد رفتاری

در این قسمت به بررسی آسیب‌های اجتماعی احتمالی دانشجویان دانشگاه در بعد رفتاری پرداخته می‌شود که به علت عدم امکان بررسی همه موارد مهم‌ترین آن‌ها ذکر می‌شود.

عجله و شتاب‌زدگی: یکی از آسیب‌های رفتاری دانشجویان، شتاب‌زده عمل کردن در شئون زندگی است که در سنین جوانی به دلیل کم‌تجربگی و خامی بیشترین محل ابتلا را دارد. اجتناب از عجله همان قدر که برای دانشجو و موفقیتش در دنیا و آخرت اهمیت دارد، برای اطرافیان و وابستگانش نیز حائز اهمیت است؛ زیرا گاهی اوقات، عجله در تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌ها، هم خود فرد را دچار

مشکل می‌کند و هم اطرافیان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو پرهیز از عجله در مقام داوری، تصمیم‌گیری و اقدامات عملی فوق‌العاده مهم است. خداوند متعال می‌فرماید: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ» (انبیاء: ۳۷) «وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» (اسراء: ۱۱)؛ علیرغم اینکه شتاب‌زدگی در سرشت و فطرت انسان ریشه دارد و مقتضای طبیعت بشری است، اما خداوند از انسان می‌خواهد بر طبق سرشت خود عمل نکند. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «شتاب‌کاری از ناحیه شیطان است و تأثی در کارها از جانب خداوند است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۱: ۲۴۰). امیرمؤمنان (ع) نیز می‌فرماید: «از شتاب کردن در کارها دوری کن؛ زیرا عجله و شتاب‌کاری، با لغزش همراه است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ۲: ۴۳۲)؛ بنابراین عجله کردن در امور و اقدام نمودن بدون ملاحظه، از نشانه‌های ضعف نفس و از راه‌های نفوذ شیطان است که به‌وسیله آن بسیاری از فرزندان آدم، حتی عالمان را به هلاکت رسانیده است.

پیامدهای شتاب‌زدگی نیز عبارت‌است از:

اقدام به کار قبل از موعد آن: شتاب‌زدگی پیامدهای منفی زیادی دارد که منجر به تصمیم‌گیری‌های نسنجیده، اقدامات سرسری و انجام دادن کاری قبل از موعد حقیقی آن است که در این صورت علاوه بر پشیمانی از انجام عمل، نتایج نامطلوبی را برای فرد و خانواده‌اش به دنبال خواهد داشت که گریزی از آن نیست. امیرمؤمنان (ع) فرمود: «از شتاب کردن در کارها، قبل از رسیدن موعد آن‌ها پرهیز و نیز از سستی در کارها به هنگام رسیدن زمان آن {فراهم شدن اسباب آن} پرهیز» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). «شتاب کردن پیش از توانایی یافتن بر کاری، موجب اندوه است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۷۱)؛ بنابراین انجام دادن کاری قبل از فراهم شدن مقدمات آن، زحمات انسان را بر باد داده و تلاش‌های او را بی‌اثر می‌کند، فلذا دانشجوی فرهیخته، باید در تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌های مهم و سرنوشت‌ساز در زندگی خود و دیگران، سنجیده و محتاطانه عمل کند و نباید با اقدامی عجولانه و غیرعقلانه، دسترنج ماه‌ها یا سال‌ها تلاش خود و دیگران را به باد فنا دهد.

هلاک شدن: گاهی ممکن است دانشجو تحت تأثیر فشارهای موقعیتی در زندگی یا اتفاق‌های غیرمنتظره یا ضربه‌های روحی ناشی از برخوردهای اشتباه دیگران قرارگیری و در این حالت عجولانه تصمیماتی اخذ کند که نه تنها مشکلاتش رفع نمی‌شود، بلکه خدای ناکرده منجر به نابودی یا هلاکت خودش و دیگران شود، به‌گونه‌ای که دیگر غیرقابل جبران باشد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «مردم را در حقیقت، شتاب‌زدگی به هلاکت انداخته است،

اگر مردم از شتاب‌زدگی به دور بودند، هیچ‌کس هلاک نمی‌شد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۸، ۳۴۰)؛ بنابراین دانشجویی که تجربه لازم در چنین موقعیت‌ها و شرایطی را ندارد، در درجه اول باید با حساسیت بیشتری اقدام کند؛ یعنی با آمادگی و مهارت به میدان برود و در درجه دوم بتواند عجله خود را مهار کرده و به ارزیابی موقعیت جدید پردازد تا پشیمانی به دنبالش نباشد.

راهکارهای پرهیز از شتاب‌زدگی عبارت است از:

تثبیت‌گزینشی حالت درنگ و تأمل: انسان بر اساس سرشت طبیعی خودش، همواره در انجام دادن کارها عجله است، اما قادر متعال توان مقابله با این حالت و متصف شدن به قدرت درنگ و اندیشیدن را نیز به او عطا کرده است. از این‌رو اندیشیدن و تأمل در امور در قرآن با واژه‌های مختلفی چون: «تعقل» («أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره: ۴۴ و ۷۶، آل‌عمران: ۶۵، انعام: ۳۲، اعراف: ۱۶۴، یونس: ۱۵، هود: ۵۱، یوسف: ۱۰۹، انبیاء: ۱۰ و ۶۷، مؤمنون: ۸، صافات: ۱۳۸، قصص: ۶۰)، «تدبر» («أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ...» (نساء: ۸۲ و محمد: ۲۴) و «تفکر» («وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ..» (آل‌عمران: ۱۹۱) و (اعراف: ۱۷۶، یونس: ۲۴، رعد: ۳، نحل: ۱۱ و ۴۴ و ۶۹، روم: ۲۱، زمر: ۴۲، جاثیه: ۱۳، حشر: ۲۱) آمده است. امیرمؤمنان (ع) نیز یکی از نشانه‌های مؤمن را اندیشیدن و تأمل در امور معرفی می‌نماید: «مؤمن فرورفته در اندیشه است» (نهج‌البلاغه: حکمت ۳۳۳)؛ بنابراین دانشجویان می‌توانند با انجام دادن اعمال متناسب باحالت درنگ و تأمل، به‌مرور این حالت را در خویش تثبیت کنند و از حالت شتاب‌زدگی پرهیز کنند، به‌گونه‌ای که به‌محض قرار گرفتن در فشارهای موقعیتی یا حوادث غیرمنتظره، فوراً تصمیم‌گیری نکرده، بلکه با تأمل و اندیشه لازم، درباره چگونگی آن شرایط و گاهی با مشاوره گرفتن از اساتید یا عالمان و متخصصان در آن امور، به بررسی جوانب مختلف آن‌ها پردازند و در تصمیم‌گیری، قضاوت و کارهایی که انجام می‌دهند با احتیاط عمل کنند.

تبیین پیامدهای شتاب‌زدگی: جهل و بی‌اطلاعی از واقعیات، انسان را به‌شتاب بی‌منطق در قضاوت‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و عمل وادار می‌کند و به همین راحتی فرد را در معرض آسیب‌های جدی و پشیمانی‌های مکرر قرار می‌دهد. هم‌چنانکه امیرمؤمنان (ع) فرمودند: «در رسیدن به آنچه منتظر و آماده است، شتاب مکنید و آنچه را که فردا خواهد آمد گنبد مشمارید؛ زیرا بسا شتابنده به‌سوی چیزی که اگر به آن برسد، آرزو کند ای کاش! به آن چیز نرسیده بود» (نهج‌البلاغه، خطبه ۷). به همین دلیل می‌توان گفت مهم‌ترین راهبرد برای کنترل شتاب‌زدگی، توجه به پیامدهای این رفتار در قضاوت‌ها و اقدام‌هاست.

اندیشیدن در نتایج زیان‌بار داوری‌های شتاب‌زده و اقدامات عجولانه و سرسری و دقت در سرنوشت افرادی که به واسطه عجله در آستانه نابودی قرار گرفته‌اند، باعث می‌شود که دانشجویان در برخورد با امور مختلف زندگی، جانب احتیاط را بگیرند و با اندیشیدن در تصمیم‌گیری‌ها عاقلانه‌تر و محتاطانه‌تر قدم بردارند؛ چون شتاب‌زدگی علاوه بر اینکه موجب سرشکستگی و پشیمانی می‌شود، فرد دانشجو را از هدف و مقصد اصلی نیز دور می‌سازد.

د) آسیب‌های اجتماعی احتمالی در محیط علمی

مدرک‌گرایی و کمیت‌نگری: از آنجایی که علم مقدس است، هدف از تحصیل نیز باید امری معنوی و مقدس باشد؛ اما متأسفانه گاهی اوقات هدف اصلی از تحصیل علم به حاشیه رفته و هدف‌های دیگری پررنگ می‌شوند که زینده علم نیستند، یکی از این اهداف رفتن به سمت مدرک‌گرایی است؛ یعنی تمام سعی و تمرکز دانشجو فقط به گرفتن مدرک و فارغ‌التحصیل شدن در یک رشته خاص محدود می‌شود. فلذا آن سیر تکاملی و معرفتی که می‌بایست در مسیر کسب علم حاصل شود، محقق نمی‌شود. درحالی که خداوند متعال پاداشی را که در نزد خالق است برای عمل مؤمنان بهتر از اهداف دنیایی می‌داند: «وَقَالَ الَّذِينَ اَتَوُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ اٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَقَّاهَا اِلَّا الصَّابِرُونَ» (قصص، ۸۰)؛ فلذا علم حقیقی با مال‌اندوزی سازگار نیست (قرائتی، ۱۳۸۸، ۷: ۹۷). پیامبر اکرم (ص) نیز می‌فرماید: «هر کس علم بیاموزد تا با جاهلان مجادله کند، یا بخواهد علمش را به رخ عالمان دیگر بکشد یا بخواهد از این طریق نگاه مردم را به سمت خودش جلب کند، خداوند او را در آتش جهنم خواهد سوزاند» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۸، ۵۱). امیرمؤمنان (ع) نیز می‌فرماید: «از علم هر آنچه برایتان پیش می‌آید فراگیرید و زنهار که آن را برای چهار کار بیاموزید: برای فخرفروشی بر علما، یا ستیزه بر نادانان یا خودنمایی در مجالس یا جلب توجه مردم به خود و ریاست کردن بر آن‌ها» (مفید، ۱۳۷۸، ۱: ۲۳۰).

پیامدهای مدرک‌گرایی عبارت‌است از:

کاهش علم و سواد: یکی از پیامدهای مدرک‌گرایی در جامعه علمی، کم شدن توان علمی و سواد لازم برای انجام مسئولیت‌های محوله در جامعه اسلامی است. در صورتی که مهم‌ترین ملاک لازم برای پذیرش مسئولیت‌ها و مدیریت در جامعه دینی، داشتن توانایی علمی و جسمی است. خداوند متعال نیز افرادی کارداران، لایق و قوی را برای انجام مسئولیت‌های مهم در نظر می‌گیرد: «قَالُوا اَتَىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ اٰحَقُّ بِالْمُلْكِ وَلَمْ يُوْت سَعَةً مِّنَ الْمَالِ* قَالَ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْهِمْ وَاَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (بقره: ۲۴۷)؛ برای تشکیل حکومت و تدبیر

در امور جامعه، داشتن دو سرمایه لازم است: یکی علم به تمامی مصالح حیات جامعه و مفاسد آن و دوم داشتن قدرت جسمی بر اجرای آنچه صلاح جامعه می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲: ۴۳۵)؛ زیرا علم و دانش و نیروی جسمانی دو امتیاز واقعی و درون‌ذاتی است که تأثیر عمیقی در مسئله رهبری دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲، ۲۳۸). بزرگان دین نیز معتقدند «هرگز خوشحال مباش، مگر به زیادی علم که زیادی علم تو را در قبر همراهی می‌کند، درحالی که اهل و مال و فرزند و دوستان تو را در قبر رها می‌کنند و همراهی نمی‌کنند» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۲: ۲۴۵).

از آنجا که برخی افراد در جامعه کنونی، همچون گذشتگان تصور می‌کنند که با ثروت بیشتر یا نسب برتر یا مدرک عالی‌تر، دارای حق اولویت هستند، فلذا باید مهم‌ترین پست‌ها و مسئولیت‌های سیاسی، دینی، اقتصادی و... جامعه دینی به آن‌ها واگذار شود، درحالی که منطق قرآن همه آن‌ها را مخاطب قرار داده و با صراحت به آنان اعلام می‌کند که ثروت، شهرت، نسب دنیایی و مدرک کاغذی ارزش ذاتی ندارند و حق اولویت برای کسی نمی‌آورند و این اندیشه‌ها از نظر خداوند مردود است؛ زیرا در پذیرش مسئولیت‌ها توانایی علمی مهم‌تر از سایر توانایی‌هاست، اما متأسفانه دانشجویان مدرک‌گرا نتوانسته‌اند از آموخته‌های خود بهره علمی چندانی کسب کنند و فقط با گذراندن تعدادی واحد درسی، وقت و عمر گران‌بهای خویش را در راه اهدافی غیر الهی صرف کرده‌اند که نه در دنیا مشکل آن‌ها را حل می‌کند و نه در آخرت برایشان ثمره‌ای دارد.

عدم مهارت لازم برای ورود به بازار کار، به حاشیه رفتن دانش و تخصص: یکی از مهم‌ترین پیامدهای مدرک‌گرایی در جامعه علمی، عدم کسب مهارت لازم توسط فارغ‌التحصیلان دانشگاهی برای ورود به بازار کار است؛ بدین صورت که دانشجو پس از گذشت چند سال و گذراندن چندین ترم تحصیلی، هنوز آمادگی و تخصص لازم برای ورود به میدان عمل را ندارد. درحالی که در کلام خداوند متعال در مکالمه بین حضرت یوسف (ع) و عزیز مصر نیز صحبت از علم و تخصص به میان می‌آید: «اجعلنی علی خزائن الارض اِنِّی حفیظٌ علیمٌ» (یوسف: ۵۵)؛ حضرت یوسف (ع) خود را به دو صفت: امانت و کفایت که هر پادشاهی از والیان خود آن‌ها را می‌خواهد، توصیف کرد (طبرسی ب، ۱۳۷۵، ۳: ۲۲۳)؛ زیرا اگر مقدرات امت به دست اشخاص با کفایت و امانت‌دار سپرده شود، آنان را به خیر و صلاح دنیوی و اخروی راهنمایی خواهند کرد (مغنیه، ۱۳۷۸، ۴: ۵۱۶). پس اگر وزیران یا مدیران اقتصادی جامعه، آگاهی

و تخصص کافی نداشته باشند، نمی‌توانند وظایف خود را به‌درستی انجام دهند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ۱۰: ۱۱۶).

پیامبر اکرم (ص) نیز در این زمینه می‌فرماید: «هر کس بدون علم و تخصص کاری انجام دهد، بیش از آنکه آباد کند، خراب می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۴: ۱۵۰). «امتی که غیرمتخصصی را به کار خویش گمارد و در میان آنان دانایان از وی باشد، پیوسته کارشان رو به تنزل و سقوط است تا وقتی از آن دست بکشند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۴: ۱۴۳). مقام معظم رهبری نیز معتقد است که به دانشگاه رفتن و مقداری از بیت‌المال مصرف کردن، بدون دل دادن به علم و فراگیری آن، فقط برای به دست آوردن تکه کاغذی و به دست آوردن شغل برای پول، این اسلامی نیست (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ۶: ۷۹)؛ بنابراین برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی در یک جامعه، پاک‌ی و امانت‌داری و صداقت و... به‌تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه داشتن آگاهی، علم و تخصص لازم در زمینه‌ای که به کار گرفته می‌شوند، ضرورت دارد. از این رو دانشجویی که دانش و تخصص لازم را کسب نکرده، نمی‌تواند به‌عنوان نیروی کار متعهد، خدمتی به مردم و جامعه خویش داشته باشد؛ زیرا شرط احراز مسئولیت در جامعه اسلامی؛ تعهد، تخصص، درست‌کاری و علم است؛ بنابراین وجود این اوصاف در بین مدیران و نیروی کار یک جامعه، شرط لازم برای رساندن جامعه به سوی کمال است.

عدم خلاقیت، نوآوری و ابتکار: یکی دیگر از پیامدهای مدرک‌گرایی در جامعه علمی، عدم خلاقیت دانشجویان، به دلیل بی‌علاقگی یا کم‌تجربگی به آن رشته تحصیلی است. خلاقیت بدین معناست که دانشجو در اثر اندیشیدن زیاد به مطالب آموخته‌شده، بتواند به اندیشه‌های جدید دست یابد. در صورتی که وقتی نهایت هدف یک جوینده علم، اخذ گواهی و مدرک باشد، امیدی به اندیشه‌های تازه و خلاقانه نخواهد بود. خداوند متعال در این راستا می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا» (جمعه: ۵). امیرمؤمنان (ع) نیز در نکوهش افرادی که خلاقیت و نوآوری ندارند می‌فرماید: «اگر دو روز کسی یکسان باشد، مغبون است و هر که فردایش بهتر از دیروزش نباشد محروم است» (صدوق، ۱۳۷۶: ۶۴۴). این درحالی‌که است که خود خداوند نیز در خلقت آسمان‌ها و زمین نوآوری کرده است: «بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (بقره، ۱۱۷) و پیوسته به نوآوری دعوت می‌کنند: «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (الرحمن، ۲۹)؛ هر روز، بلکه در هر ظهور و تجلی، خداوند در کار تازه‌ای است. طبق کلام بزرگان دین، کارهای خداوند تکراری نیست و هر روز در کاری تازه است (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۱۵۶). امیرمؤمنان

(ع) شرط دستیابی به خلاقیت را این گونه توصیف می نماید: «کسی که به آموخته‌های خود زیاد بیندیشد، دانش او استحکام می یابد و چیزهایی را درک می کند که تا حالا درک نکرده بود» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۶۴۷). روانشناسان نیز معتقدند که اغلب افراد خلاق، کارهای خلاقانه خود را پس از سال‌ها تحصیل و تحقیق و تمرین آفریده‌اند؛ زیرا برای ارائه کارهای خلاقانه باید وقت زیادی صرف یادگیری در آن رشته تحصیلی شود (گلاور، ۱۳۷۸: ۲۳۲).

بی‌علاقگی به شغل: یکی از آداب و شرایط کار و همچنین اقتضای روحیه انسانی این است که انسان از کاری که انجام می دهد، راضی باشد؛ زیرا اگر علاقه‌ای نباشد، انسان نمی تواند نتیجه مورد نظر را دریافت کند. خداوند متعال این امر را به عنوان یکی از اوصاف مؤمنان معرفی می نماید: «لِسَعِيهَا رَاضِيَةٌ» (غاشیه: ۹)؛ یعنی برای ثواب سعی و کوشش و عملشان از طاعت‌ها خشنودند (طبرسی الف، بی تا، ۲۷: ۴۲). برخی مفسران معتقدند که چهره‌ها نشان دهنده نعمت است که از کوشش خود خشنود است (طالقانی، ۱۳۶۲، ۴: ۳۲)؛ بنابراین رضایت خاطر در کارهای اقتصادی و فعالیت‌های شغلی جوانان، اثرات مثبت زیادی بر عملکرد آن‌ها خواهد داشت؛ زیرا وقتی دانشجوی فارغ از تحصیل، از کار و شغل خود راضی باشد، آن را با عشق و علاقه انجام می دهد. در حقیقت یکی از عوامل اساسی در ایجاد فضایی مطمئن برای کار، علاقه داشتن به کار و حرفه است. از این رو ضرورت دارد که جوانان ما حرفه‌ای را انتخاب کنند که بر اساس علاقه و رضایت قلبی آنان بوده باشد.

کاهش عملکردهای شغلی؛ بیکاری پنهان: در اسلام کار و فعالیت به عنوان یک امر مقدس و بیکاری مردود شمرده می شود. کار برای جسم، خیال، عقل و فکر، قلب و احساس انسان ضروری است. خداوند متعال در این راستا می فرماید: «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَ أَنْ سَعِيهِ سَوْفَ يَرَى» (نجم: ۳۹-۴۰)؛ بهره هر کس در آخرت همان سعی و کوشش او است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۲: ۵۵۲). برای انسان فقط تلاش و عملش ملک حقیقی است و پیوسته با او خواهد بود، خواه عمل خیر باشد یا شر (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ۱۰: ۴۱۹). در حقیقت انسان با کار کردن خود را کشف می کند؛ یعنی به استعدادهای نهفته خود پی می برد و به خود اعتماد می کند و حس احترام ذات در او بیدار می شود، از این رو گرد کارهای زشت و پست نمی رود (مطهری، ۱۳۷۸، ۶: ۴۴۸). کار در عین اینکه معلول فکر و روح و خیال و دل و جسم آدمی است، سازنده خیال، عقل و فکر، سازنده دل و قلب و به طور کلی سازنده و تربیت کننده انسان است (مطهری، ۱۳۸۶: ۴۲۳)؛ بنابراین اشتغال به کار در

کنترل قوه خیال، پیش‌گیری از جرائم، در احساس شخصیت، احساس خضوع و خشوع و در نهایت بر تربیت انسان بسیار مؤثر است، اما اگر کاری که انسان انجام می‌دهد مطابق استعداد و علاقه‌اش نباشد و فقط به خاطر کسب درآمد، آن شغل را انتخاب کرده باشد، نمی‌تواند از همه این اثرات تربیتی بهره‌بردار. در جامعه کنونی ما وضع اغلب دانشجویان نیز به این صورت است که هر رشته تحصیلی را که در آینده به شغلی پردرآمد ختم می‌شود، انتخاب می‌کنند؛ حتی اگر استعداد و ذوق آن شغل را هم نداشته باشند، از این‌رو تا آخر عمر خود را به کاری مشغول می‌کنند که نه استعدادش را دارند و نه ذوقش را؛ بنابراین این شغل تا آخر عمر روح و ذوق و علاقه این افراد را جذب نخواهد کرد. این نوع کار، نه تنها عامل پرورش و تربیت روح نیست، بلکه عاملی برای صدمه زدن به فکر و روح انسان است؛ زیرا فرد می‌بایست کاری را انتخاب کند که آن کار عشق و علاقه او را جذب کند و منجر به شکوفایی استعدادهای آن شخص و نوآوری و ابتکار شود، درحالی‌که آن فرد فقط به دنبال درآمد آن شغل است. از این‌رو توفیق چندانی به دست نخواهد آورد.

مهم‌ترین راه کارها در این زمینه عبارت‌است از:

تقویت مهارت آموزی: دانشجویان نباید از آموختن مهارت برای انجام کار مفید امتناع ورزند و شأن خود را فراتر از ارائه مشاغل سودمند بدانند؛ همچنان که خصیصه انبیاء و اولیای الهی نیز چنین بوده است. حضرت ادریس نبی (ع) نخستین کسی بود که لباس می‌دوخت (صدوق، ۱۴۰۳ق، ۲: ۵۲۴). نوح پیامبر (ع) نیز نجاری می‌کرد (هود، آیات ۳۷ و ۳۸). موسی (ع) (قصص، ۲۸) و پیامبر (ص) (بیهقی، ۱۳۶۱، ۲: ۶۵) مدتی چوپان بودند. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «پیامبر اکرم (ص) کفش و لباس خود را با دست خویش وصله می‌کرد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۰). هم‌چنین در سیره اهل‌بیت (ع) دعوت به آموختن مهارت و پیشه مورد تأکید فراوان بوده است. چنان‌که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «خداوند مؤمنی را که دارای یک حرفه است و به آن اشتغال دارد، دوست دارد» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ۱۲: ۱۳). امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «چرخ ریسندگی در دست زن نیکوکار مانند نیزه‌ای است در دست جنگجویی که برای رضای خدا می‌جنگد» (طبرسی، ۱۳۸۶: ۲۳۸). از این‌رو مهارت‌آموزی و داشتن حرفه، گره از کار جامعه و مشکلات شخص دانشجو می‌گشاید و در تعالی روحی و اخلاقی او اثر می‌گذارد؛ زیرا حرفه و پیشه هر فردی، اثر مستقیم در اخلاق و رفتارش دارد.

پذیرش دانشجو بر اساس نیازهای جامعه: از آنجاکه افراد مؤمن، باید

خود را به آموختن دانش‌هایی مکلف بدانند که مورد نیاز فرد و جامعه است، پس ضرورت دارد که مسئولان در طراحی و تدوین رشته‌های تحصیلی بر اساس نیازهای جامعه اقدام کنند تا دانشجویان برحسب علاقه فقط در رشته‌های مورد نیاز تحصیل کنند و از پرداختن به رشته‌های غیر ضروری اجتناب کنند. خداوند متعال نیز برخی از دانش‌ها را که در راستای برطرف کردن نیازهای جامعه است لازم و واجب دانسته و آن‌ها را به صورت مستقیم در اختیار پیامبران خود قرار داده است: «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ» (انبیاء، ۸۰) «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرُ وَالْأَنْثَى لَهُ الْحَدِيدُ» (سبأ: ۱۰)؛ خداوند متعال صنعت زره سازی را به داوود تعلیم داد تا برای شما زره مورد نیازتان را بسازد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۴: ۴۴۲)؛ بنابراین مسئولان امر می‌توانند با پذیرش دانشجو بر اساس نیازهای جامعه و ایجاد شرایط و فرصت‌های مناسب شغلی، مشکل اشتغال دانشجویان را هم رفع کنند و آن‌ها را برای تأمین زندگی شرافتمندانه و سالم یاری کنند تا مانع بزرگ بی‌کاری و بی‌پولی از سر راه ازدواج جوانان برداشته شود.

۵. نتیجه‌گیری

دانشجوی دانشگاه اسلامی در مسیر تعلیم باید خلوص نیت داشته باشد؛ یعنی در جهت هدفی الهی و انسانی گام بردارد و هیچ‌گونه مقاصد انتفاعی و مادی را با این هدف الهی نیامیزد؛ زیرا محور و کانون ارزش عمل و رفتار هرکسی بر قصد و نیت و طرز جهت‌گیری او مبتنی است، پس باید در اعمال و کوشش‌های خود صرفاً خدا و اطاعت از فرمان او و پیراستن از رذایل و ارشاد بندگان خدا به حقایق دین را منظور نهایی خود قرار دهد؛ زیرا کسانی که دارای عنوان عالم، دانشمند و دانشجو هستند بیشتر از دیگران در معرض هجوم مجموعه‌ای از شوایب دنیوی و مادی هستند که عبارت‌اند از: فراموشی یاد خدا، جاه‌طلبی علمی، مال‌اندوزی، شتاب‌زدگی، برتری‌جویی، دل‌خوشی و شادمانی به مقام علمی.

فهرست منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

- ۱- ابن ابی جمهور، محمد بن علی بن ابراهیم، (۱۴۰۳ ق)، *عوالی الثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه*، قم، سیدالشهدا
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- ۳- اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۲)، *راهکارهایی برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها*، فصلنامه دانشگاه اسلامی، ش ۱۸-۱۹، ۲۸
- ۴- امین، نصرت بیگم، (بی تا)، *تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن*، بی جا، بی نا.
- ۵- باردن، لورنس، (۱۳۷۵)، *تحلیل محتوا*، (ترجمه: ملیحه آشتیانی)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ ق)، *المحاسن*، چاپ دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- ۷- بیهقی، احمد بن حسین، (۱۳۶۱)، *دلایل النبوه* (ترجمه: محمد مهدوی دامغانی)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۸- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، *تصنیف غررالاحکم و دررالکلم*، قم، تبلیغات اسلامی
- ۹- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، *غررالاحکم و دررالکلم*، قم، دارالکتب اسلامیّه
- ۱۰- جعفری، یعقوب، (۱۳۷۶)، *تفسیر کوثر*، قم، موسسه انتشارات هجرت.
- ۱۱- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۲)، *انتظار بشر از دین*، قم، مرکز نشر اسراء.
- ۱۲- حر عاملی، محمد بن حسن بن علی، (۱۴۱۴ق)، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل المسائل الشریعه*، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- ۱۳- حرانی، ابن شعبه، (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول*، چاپ ۲، قم، جامعه مدرسین.
- ۱۴- حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۹۲)، *راه نجات*، (ترجمه: داوود صمدی آملی)، چاپ ۲، بی جا، ناشر ا.ل.م.
- ۱۵- حسین زاده و دیگران، امیدعلی، (۱۳۸۹)، *تحلیل عوامل آسیب‌زای تربیت دینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر*، نشریه زن و مطالعات خانواده، دوره ۲، ش ۷، صص ۴۱-۶۰
- ۱۶- حسینی همدانی، محمد باقر، (۱۴۰۴ ق)، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، تهران، انتشارات لطفی.
- ۱۷- خامنه‌ای، علی، (۱۳۷۷)، *حدیث ولایت (۸)*، دفتر مقام معظم رهبری، تبلیغات اسلامی
- ۱۸- خامنه‌ای، علی، (۱۳۸۴)، *حدیث ولایت (۹)*، دفتر مقام معظم رهبری، تبلیغات اسلامی
- ۱۹- خامنه‌ای، علی، (۱۳۷۶)، *حدیث ولایت (۶)*، دفتر مقام معظم رهبری، تبلیغات اسلامی
- ۲۰- خیری و دیگران، مرضیه، (۱۳۹۵)، *آسیب‌شناسی اجتماعی افزایش سن ازدواج از دید دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه*، نشریه مطالعات جامعه‌شناسی، ش ۳۰،

صص ۱۲۵-۱۳۸

- ۲۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۷)، *مفردات الفاظ قرآن کریم*، (ترجمه: خسروی حسینی، غلامرضا) قم، انتشارات نوید اسلام.
- ۲۲- رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۷)، *تفسیر قرآن مهر*، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- ۲۳- ستوده، هدایت الله، (۱۴۰۰)، *آسیب شناسی اجتماعی*، تهران، انتشارات آوای نور.
- ۲۴- صدوق، محمدبن علی بن بابویه قمی، (۱۳۷۶)، *أمالی* (ترجمه: محمدباقر کمره ای)، چاپ ششم، تهران، انتشارات کتابچی
- ۲۵- صدوق، محمدبن علی بن بابویه قمی، (۱۴۰۲ق)، *من لا یحضره الفقیه*، چاپ ۲، قم، جامعه مدرسین.
- ۲۶- طالقانی، محمود، (۱۳۶۲)، *پرتوی از قرآن*، چاپ ۴، تهران، شرکت سهامی انتشار تهران.
- ۲۷- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، جامعه مدرسین، چاپ ۵، قم، انتشارات اسلامی.
- ۲۸- طبرسی الف، فضل بن حسن، (بی تا)، *تفسیر مجمع البیان*، تهران، نشر فراهانی.
- ۲۹- طبرسی ب، فضل بن حسن، (۱۳۷۵)، *تفسیر جوامع الجامع*، آستان قدس، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۳۰- طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۸۶)، *مکارم الاخلاق*، (تحقیق: موسوی، حبیب الله)، چاپ ۲، بی جا، نشر حبیب.
- ۳۱- عمید، حسن، (۱۳۶۴)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۳۲- غزالی و دیگران، (۱۳۹۹)، *آسیب شناسی تربیت دینی دانشجویان دانشگاه پیام نور با تاکید بر مکتب امام حسین (ع)*، نشریه آموزش در علوم انتظامی، دوره ۷، ش ۵، صص ۳۵۹-۳۷۷
- ۳۳- فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، (۱۳۵۸)، *علم الیقین*، قم، انتشارات بیدار.
- ۳۴- قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۳۵- قرشی بنابی، علی اکبر، (۱۳۰۷)، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب اسلامیة.
- ۳۶- قرشی بنابی، علی اکبر، (۱۳۷۵)، *تفسیر احسن الحدیث*، چاپ ۲، تهران، مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت.
- ۳۷- کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *اصول کافی*، بی جا، انتشارات اسلامیة.
- ۳۸- گلاور، جان ای، (۱۳۷۸)، *روانشناسی تربیتی اصول و کاربرد آن*، (ترجمه: خرازی، علی نقی)، چاپ ۲، بی جا، بی نا.
- ۳۹- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار الجامعه لدررالخبار الاثمه الاطهار*، چاپ ۴، بیروت، الوفاء.
- ۴۰- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۶)، *میزان الحکمه*، چاپ ۷، قم، انتشارات دارالحدیث.
- ۴۱- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۲)، *انسان شناسی در قرآن*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- ۴۲- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۰)، مجموعه آثار، چاپ ششم، قم، انتشارات صدرا.
- ۴۳- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۸)، یادداشت‌های استاد مطهری، قم، انتشارات صدرا.
- ۴۴- معین، محمد، (۱۳۷۵)، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۴۵- مغنیه، محمدجواد، (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر کاشف، قم، بوستان کتاب.
- ۴۶- مفید، محمدبن محمد، (۱۳۷۸)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، (ترجمه: هاشم رسولی محلاتی)، چاپ ۴، بی جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۴۷- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱) تفسیر نمونه، چاپ ۱۰، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- ۴۸- موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۸)، صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی ره)، تهران، موسسه تنظیم نشر آثار امام.
- ۴۹- نراقی، محمد مهدی، (۱۳۶۸)، جامع السعادات، نجف اشرف، مطبعه الزهراء.
- ۵۰- نراقی، ملا احمد، (۱۳۸۶)، معراج السعاده، قم، انتشارات حلم.

REFERENCES

* The Holy Qur'an.

* Nahj al-Balaghah.

1. Akhavan Kazemi, Bahram, (1382), Solutions for Islamization of Universities, Islamic University Quarterly, Vol. 28, pp.18-19.
2. Al-Harrani, Ibn Shuba, (1404 AH), Tuhaf al-Uqoul an Aal al-Rasoul, 2nd edition, Qom, Jamia Madrasin.
3. Al-Tamimi Amidi, Abdul-Wahid bin Muhammad, (1366), Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim, Qom, Dar al-Kutub al-Islamiyah.
4. Amid, Hasan, (1364), Amid Persian Dictionary, Tehran, Amir Kabir Publications.
5. Amin, Nusrat Begum, (n.d), Tafsir Makhzan Al-Irfan dar Oloum Qur'an, n.p, s.n.
6. Barqi, Ahmad bin Muhammad bin Khalid, (1371 AH), Al-Mahasin, 2nd edition, Qom, Dar al-Kutub al-Islamiya.
7. Beyhaqi, Ahmad bin Hussein, (1361), Dala'il al-Nubuwwah (Translation: Mohammad Mahdavi Damghani), Tehran, Elmi Farhangi Publications.
8. Burden, Lawrence. (1375), Content Analysis, (Translation: Maliha Ashtiani), Tehran, Tehran University Press.
9. Feyz Kashani, Muhammad Bin Shah Morteza, (1358), Ilm al-Yaqin, Qom, Bidar Publications.
10. Ghazali et al., (1399), Pathology of Religious Education of Payam Noor University Students with Emphasis on Maktab of Imam Hossein (AS), Education in Law Enforcement Sciences Journal, Vol. 7, No. 5, pp. 377-359.
11. Glover, John E., (1378), Educational Psychology, its Principles and Applications, (Translation: Kharrazi, Ali Naghi), 2nd edition, (n.p), (s.n).
12. Hasanzadeh Amoli, Hasan, (1392), Rahe Nejat, (Translation: Dawood Samadi Amoli), 2nd edition, n.p, A.L.M.
13. Hosseini Hamadani, Mohammad Baqir, (1404 A.H.), Anwar Derakhshan dar Tafsir Qur'an, Tehran, Lotfi Publications.
14. Hosseinzadeh, Omid Ali, et al., (1389), analysis of the harmful factors of religious education of students of Ahar Islamic Azad University, Women and Family Studies Journal, Vol.2, No. 7, pp. 41-60.
15. Hur al-Amili, Muhammad bin Hasan bin Ali, (1414 AH), Tafsil Wasa'il al-Shia ila Tahsil al-Masa'il al-Sharia, Qom, Aal al-Bayt li Ihya al-Turath Institute.
16. Ibn Abi Jumhour, Muhammad bin Ali bin Ibrahim, (1403 AH), Awali al-Li'ali al-Aziziya fi al-Ahadith al-Diniyah, Qom, Seyyed al-Shuhada.
17. Ibn Manzour, Muhammad bin Mukarram, (1414 AH), Lisan al-Arab, Beirut, Dar Sadir.
18. Jafari, Yaqub, (1376), Tafsir Kowsar, Qom, Hijrat Publications Institute.
19. Javadi Amoli, Abdullah, (1382), Man's Expectation from Religion, Qom, Isra Publishing Center.
20. Khairi et al., Marzieh, (1395), social pathology of increasing the age of marriage from the perspective of female students of the Islamic Azad University, Urmia Branch, Journal of Sociological Studies, Vol. 30, pp. 125-138.

21. Khamenei, Ali, (1377), Hadith Velayat (8), Office of Supreme Leader, Islamic Propagation Office.
22. Khamenei, Ali, (1384), Hadith Velayat (9), Office of Supreme Leader, Islamic Propagation Office.
23. Khamenei, Ali, (1376), Hadith Velayat (6), Office of Supreme Leader, Islamic Propagation Office.
24. Kulaini, Abu Ja'far Muhammad bin Yaqoub, (1407 AH), Usul al-Kafi, (n.p), Islamiya Publications.
25. Majlisi, Muhammad Baqir, (1403 AH), Bihar al-Anwar al-Jami'a li Durar al-Akhbar al-A'imma at'har, 4th edition, Beirut, Al-Wafa.
26. Makarem Shirazi, Naser, (1371) Tafsir Nomooneh, 10th edition, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiya.
27. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (1392), Anthropology in the Qur'an, Qom, Imam Khomeini (R.H) Educational and Research Institute.
28. Mohammadi Ray Shahri, Mohammad, (1386), Mizan al-Hikmah, 7th edition, Qom, Dar al-Hadith Publishing House.
29. Moin, Mohammad, (1375), Moin Dictionary, Tehran, Amir Kabir Publications.
30. Motahari, Morteza, (1370), Collection of works, 6th edition, Qom, Sadra Publications.
31. Motahari, Morteza, (1378), Notes of Ostad Motahari, Qom, Sadra Publishing House.
32. Mousavi Khomeini, Ruhollah, (1378), Sahifa Imam (Collection of Imam Khomeini's works), Tehran, Institute for Publishing Imam's Works.
33. Mufid, Muhammad bin Muhammad, (1378), Al-Irshad fi Ma'rifah Hujajullah ala albad, (Translation: Hashem Rasouli Mahallati), 4th edition, (n.p), Farhang Islami Publishing House.
34. Mughniyah, Muhammad Jawad, (1378), translation of Tafsir Kashif, Qom, Bo'stan Kitab.
35. Naraghi, Mollah Ahmad, (1386), Mi'raj al-Sa'adat, Qom, Helm Publications.
36. Naraghi, Muhammad Mahdi, (1368), Jami' al-Sa'adat, Najaf al-Ashraf, Al-Zahra Publishing House.
37. Qara'ati, Mohsen, (1388), Tafsir Noor, Tehran, Cultural Center of Lessons from the Qur'an.
38. Qureshi Bonabi, Ali Akbar, (1307), Qamoos Qur'an, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiya.
39. Qureshi Bonabi, Ali Akbar, (1375), Tafsir Ahsan al-Hadith, 2nd edition, Tehran, Be'that Foundation Publishing and Publishing Center.
40. Raghieb Isfahani, Hussein bin Muhammad, (1387), Mufradat Alfaz al-Quran al-Karim, (Translation: Khosravi Hosseini, Gholamreza) Qom, Navid Islam Publications.
41. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, (1387), Tafsir Qur'an Mehr, Qom, Researches on Tafsir and Sciences of the Qur'an.
42. Sadouq, Muhammad bin Ali bin Babawayh al-Qommi, (1376), Al-Amali (Translation: Mohammad Baqir Kamraei), 6th edition, Tehran, Kitabchi Publications.

43. Sadouq, Muhammad bin Ali bin Babawayh al-Qommi, (1402 AH), Man la Yahduruh al-Faqih, 2nd edition, Qom, Jamia Modaresin.
44. Sotoudeh, Hidayatullah, (1400), Social Pathology, Tehran, Avaye Noor Publications.
45. Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1375), Tafsir Jawami' al-Jami', Astan Quds, Mashhad, Islamic Research Foundation.
46. Tabarsi, Fazl bin Hasan, (n.d.), Tafsir Majma al-Bayan, Tehran, Farahani Publishing House.
47. Tabarsi, Hasan bin Fazl, (1386), Makarim al-Akhlaq, (Research: Mousavi, Habibullah), 2nd edition, n.p, Habib Publishing.
48. Tabatabai, Muhammad Hussein, (1374), translation of Tafsir al-Mizan, Jamia Modarresin, 5th edition, Qom, Islami.
49. Taleghani, Mahmoud, (1362), A Light from the Qur'an, 4th edition, Tehran, Tehran Sherkat Sahami Enteshar.